

## مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی «حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها»

(بر اساس ترجمه آ.آ. دزانتیف، ت.آ. هامیتسایوا)

مریم شفقی\*

### چکیده

حماسه نارت‌ها برگرفته از ادبیات فولکلور مردم اوستیا و مایه فخر و غرور آن مردم است. در پژوهش پیش‌روی به بررسی معادل‌های فرهنگی و واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی در ترجمه روسی متن به قلم آ.آ. دزانتیف و ت.آ. هامیتسایوا می‌پردازیم. سیریلیک گشتن الفبای نگارش زبان اوسی به سال ۱۹۵۴ موجب تغییرات آوایی به ویژه در اسامی خاص فرهنگ زبان آسی گشته است. مترجمان که هر دو دارای ملیت اوستیایی هستند و مسلط به زبان روسی، در بسیاری موارد کوشیده‌اند واقعیت‌ها را به زبان اصلی نگاه دارند: در متن ترجمه شاهد آنیم که حتی واژگان دارای معادل به دلیل یار فرهنگی و اهمیت سلسله مراتب سنی و اجتماعی در آن فرهنگ به زبان اصلی متن نگاه داشته شده‌اند. اصوات یکسره در متن ترجمه به زبان آسی هستند. در برگردان ضرب‌المثل‌ها هر چند در پاره‌ای موارد مترجمان بر معادل‌های روسی تکیه دارند، اما نمونه‌هایی نیز از ترجمه واژه به واژه نیز مشاهده می‌شود. در برگردان واحدهای اندازه‌گیری، مترجمان از واژگان منسوخ روسی بهره‌برده‌اند. در ایران مبنایی برای دانش «نارت‌پژوهی» و یا «نارت‌شناسی» وجود ندارد. لیک در قفقاز شمار بسیاری نقد در زمینه حماسه نارت‌ها نگاشته شده است که دو مقاله با عنوان-های «برخی ویژگی‌های گویش‌شناسی متون حماسه پهلوانان چرکس نارت‌نامه»

\* دانشیار زبان روسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
shafaghi@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸

(Берсиров, Хазретовна: 2018) و «بازتاب واژگان اجتماعی و سیاسی در حماسه نارت» (Жилетежев, Бухуров: 2015) با رویکرد بررسی ویژگی‌های زبانشناختی از آن جمله‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** حماسه نارت‌ها، ترجمه روسی، واقعیت‌ها، واژگان بدون معادل، واقعیت‌های تاریخی زندگی گروهی.

## ۱. مقدمه

مجموعه «حماسه پهلوانان اوستیا: نارت‌ها» شامل دوره سه جلدی است. این مجموعه، در پی برنامه اتحاد جماهیر شوروی برای گردآوری سری «حماسه ملل اتحاد شوروی» که در سال ۱۹۷۱ دستور انجام آن صادر گردید، آغازید و در نهایت در سال ۱۹۸۹ منتشر گردید. در اجرای این پروژه پژوهشی گسترده، موسسات آموزشی و پژوهشی متعددی از جمله: «انستیتو ادبیات جهان بنام آم. گورکی» [Институт мировой литературы им. А.М.Горького]، «انستیتو علمی تحقیقاتی اوستیای شمالی در علوم تاریخ، فیلولوژی و اقتصاد» [Северо-осетинский научно-исследовательский институт истории филологии и экономики Академия науки]، «آکادمی علوم جمهوری گرجستان» [Юго-осетинский научно-исследовательский институт истории филологии и экономики Академия науки] و «انستیتو علمی تحقیقاتی اوستیای جنوبی» [Юго-осетинский научно-исследовательский институт истории филологии и экономики Академия науки] شرکت داشتند. جلد آغازین به مقاله‌ای از و.آ.آبایف [В.И.Абаев] - زبانشناس بنام در زبان اوسی (اوستیایی / آسی) و نویسنده دوره چهار جلدی فرهنگ واژگان اوسی - مزین شده است. همچنین در این جلد، متن‌های افسانه‌های طنز، افسانه‌های دیگوری و افسانه‌هایی از اوستیای جنوبی آمده است. متن‌های طنز را آ.آ. دزانتیف [А.А.Дзантиев] و متن‌های دیگوری [дигорские тексты] را ت.آ. هامیتسایوا [Т.А.Хамицаева] به روسی برگردانده‌اند.

کتاب دوم، برگردان حماسه از زبان اوسی به روسی و کتاب سوم، رمزگشایی موسیقیایی متن‌ها، مقاله‌ای درباره‌ی روایان افسانه‌ها و نیز تفسیری بر کتاب دوم و واژه‌نامه واقعیت‌های فرهنگی قوم نارت است. نظارت علمی بر روند گردآوری حماسه نارت‌ها بر عهده آ.آ.آبایف و هماهنگی تنظیم افسانه‌ها بر عهده ت.آ. زامیتسایوا و آ.خ. بیازیرف [А.Х.Бязиров] قرار داشته است. حماسه نارت‌ها نخستین و قدیمی‌ترین متن کهن از قهرمانان و پهلوانان اوستیا است که یافته‌های قومیت‌شناسی، ملیتی و فرهنگی از آن مردم به دست می‌دهد و از این نظر برای پژوهشگران، تاریخ‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان مهم ارزیابی می‌شود.

مواد پژوهش پیش رو، جلد دوم ترجمه روسی «حماسه نارت‌ها» است. موضوع پژوهش، واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی مردم نارت بر اساس متن حماسه نارت‌ها است. روش پژوهش، نظارت بر ساختار زبانی آمده از نام‌های واقعیت‌ها در متن اصلی و مقایسه آن با ترجمه روسی، تحلیل معنایی بر پایه متن ترجمه روسی است. هدف از این پژوهش، ارائه فهرستی از آن دسته نام‌های خاص در متن اصلی حماسه نارت‌ها و مطالعه در شیوه برگردان آنها به زبان روسی است که بر واقعیت‌ها (واژگان بدون معادل) دلالت دارند. در این مسیر کوشیده‌ایم عملکرد مثبت مترجمان و نیز نقص‌های پیش آمده را در روند کار دریابیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

نام‌شناسی، دانشی است جدید در علم زبان‌شناسی که در شاخه واژه‌شناسی جای می‌گیرد. فهم نام‌های خاص و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی روشن در بین گویشوران یک فرهنگ و یک زبان تا زمانی که در میان آنان به کار می‌روند، به هیچ روی پدیده‌ای پیچیده و دشوار نیست. دشواری آنجایی می‌آغازد که این نام‌ها از زبان گویشوران فرهنگی به زبان گویشوران فرهنگ دیگری برگردانده می‌شوند. این پدیده زبانی در علم زبان‌شناسی با نام «واقعیت‌ها» [реалии] و یا «واژگان بی معادل» شهرت دارد. در مورد راهکارهای برگردان اسامی خاص، بیشترین گرایش بر انتخاب معادل قرار دارد. زبان‌شناسان عموماً از سه روش اصلی برای انتقال اسامی خاص در ترجمه به شکل ذیل نام می‌برند: ۱) حرف نویسی [транслитерация]، ۲) آوانگاری (آوانویسی) [транскрипция]، ۳) ترجمه تحت‌اللفظی [калькирование]. به روش‌های فوق در ترجمه اسامی خاص از واقعیت‌های یک زبان به زبان دیگر، در مقالات بسیاری از جمله نوشته‌های ناتالیا شیگلوا (Щеглова, 2014)، آناستاسیا گوریووا (Гуреева, 2016)، ماکسیم آریول (Орел, 2008) و ... اشاره شده است. در روش حرف نویسی، اسامی خارجی به کمک حروف الفبای زبان مقصد (زبان ترجمه) و بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های آوایی آن داده می‌شوند؛ در روش آوانویسی، انتقال آوایی نام به همان گونه‌ای که در زبان بیگانه وجود دارد، صورت می‌گیرد. در روش ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه واژه به واژه و جزء به جزء (تحت‌اللفظی) اسامی خاص انجام می‌شود (Шум, 2014: 211). از مسیر آوانگاری، اسامی در زبان مقصد ممکن است با همان صورت آوایی زبان مبداء تحکیم یابند و از همین طریق وارد زبان مقصد گردند. سیدئا در پایان نامه

دکتری خود، «دشواری‌های ترجمه واقعیت‌های فرهنگی (بر پایه آثار ادبی)»، در فصل نخست به مطالعه در مفاهیم «واقعیت‌های فرهنگی» به ترتیب مفاهیم واقعیت‌ها، طبقه‌بندی آنها و ابزار درک آن واقعیت‌ها و سپس در فصل دوم به موثرترین روش‌های ترجمه این واقعیت‌ها و روش‌های محوری در ترجمه مقایسه‌ای و بسامدی واقعیت‌ها می‌پردازد (Седова, 2017). ی.آ.بوروا در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه واقعیت‌های متون ادبی و علمی (بر پایه زمان-زندگی‌نامه س.ب. اسمیت «ملکه»)» واقعیت‌ها و ترجمه آن در متون ادبی و علمی را بررسی می‌کند (Бурова, 2017). در مجموع، مقالات و آثار علمی بسیاری در حوزه واقعیت‌ها نگاشته شده‌اند، لیکن مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته بر اساس متن «حماسه نارت‌ها» عبارتند از:

- جلد سوم «حماسه نارت‌ها» که پیوستی برای توصیف و توضیح واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، اسامی خاص، گونه‌های مختلف اسامی خاص، اسامی جغرافیایی، توضیحات افسانه‌ها و اطلاعات مربوط به راویان افسانه‌هاست. این جلد در موضوع پژوهش، داده‌های ارزشمندی از متن در اختیار خواننده قرار می‌دهد؛
- فرهنگ واژگان دو جلدی اوسی - روسی - انگلیسی به ویرایش ت. آ. گوریف (Гуриев, 2015, 2013).

### ۳. واقعیت‌ها و راهکارهای ترجمه آن

پیوستگی زبان با فرهنگ آنجایی آشکار می‌گردد که برای برگردان واژگانی که در بردارنده مفاهیم فرهنگی یک ملت هستند، مترجم با دشواری مواجه می‌شود. به عبارتی این دشواری‌ها در روند ترجمه و برگردان به زبان گویشوران فرهنگ دیگری آشکار می‌شوند. آنجا که مترجم برای دادن معادل، راهکاری در زبان مقصد نمی‌یابد و ناگزیر به آوردن آن واژه در زبان مقصد می‌شود. توضیح این واژگان هر چند در زبان مبداء، به دلیل آنکه گویشوران آن زبان به آن نمادهای فرهنگی آشنایی دارند، نابجا و اضافی می‌نماید، به همان اندازه در زبان مقصد توضیح مترجم در کنار نویسنده اصلی متن در مورد آنها ضروری و مبرم و کاملاً بجاست.

ل.چ. لظیووا به نقل از ی.م. ویریشاگین [E. M. Верещагин] و و.گ. کاستاماروف [В. Г. Костомаров] از این دسته از واژگان به عنوان «واژگان بی معادل» [безэквивалентная]

[лексика] نام می‌برند: واژگان بی معادل، واژگانی هستند که برای بیان مفاهیمی به کار می‌روند که در فرهنگ دیگر و زبان دیگری وجود ندارند و از عناصر فرهنگی خاص به حساب می‌آیند، یعنی تنها در یک فرهنگ وجود دارند و در فرهنگ دیگر یافت نمی‌شوند و همچنین واژگانی که دارای معادل ترجمه در زبانی نیستند و از معادلی خارج از محدوده زبانی خود که بدان تعلق دارند، برخوردار نیستند (Латыпова, 2016: 414).

ترجمه‌ناپذیری «واقعیت‌ها» دلیلی بر جدایی‌ناپذیری فرهنگ از زبان است و وجود خود این واقعیت‌ها ارزش زیبایی‌شناسی [эстетическая ценность] بالایی به اثر ترجمه می‌بخشد. تنوع دیدگاه‌ها در مورد دشواری معنای نام هم در مورد فیلسوفان و هم در مورد زبان‌شناسان منجر به شکل‌گیری چندین دیدگاه در این مورد گشته است: برخی پژوهشگران بر این باورند که نام‌ها فاقد مفهوم هستند، گروه دیگری برای اسامی خاص معانی گسترده‌تری در مقایسه با نام‌های عام قائل هستند؛ گروه سوم از پژوهشگران نیز تا حدی با نظرات گروه اول و دوم هم عقیده هستند (Плешков, 2017: 71).

عموماً در ترجمه واقعیت‌های فرهنگی که برای فرهنگ دیگری قابل درک نیستند، مترجم لازم می‌داند از نظام آوانگاری [транскрипция] به زبان مادری فرهنگ مقصد و یا الفبای یک زبان بین‌المللی شناخته شده در میان آن فرهنگ استفاده کند. اما در ترجمه متن همیشه نمی‌توان معادلی برای نام‌ها، مخصوصاً نام پدیده‌های خاص یافت. وظیفه مترجم در برحذر بودن از دست رفتن معنایی، کاربردشناختی و سبکی کلام تا حد ممکن در روند ترجمه است. این نام‌ها دربردارنده تابلو و تصویری روشن از فرهنگ زبانی و رساننده رشد تاریخی و اجتماعی آن فرهنگی هستند که به زبان مقصد ترجمه می‌شود (Седова, 2017: 4-8). از همین روی وظیفه مترجم حفظ ویژگی ملی و تاریخی زبان است (Вяткин, 2017: 146). واقعیت‌ها می‌توانند بر مفاهیم جغرافیایی [Географические реалии]، قوم‌شناسی [Этнографические реалии] شامل مقوله‌هایی چون فرهنگ، هنر، قومیت، واحدهای اندازه‌گیری، واقعیت‌های زندگی اجتماعی و سیاسی [Общественно-политические реалии] تقسیم شوند (Седова, 2017: 8-12). از آنجا که واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی مردم دیگر برای زبان مقصد غیرقابل فهم و درک است، معمولاً مترجم در پی نوشت و یا در قالب واژه‌نامه‌ای، و یا هر دوی آنها به موازات هم، آن واقعیت‌ها را به نحوی توضیح می‌دهد تا از این راه، خوانش و درک متن برای خوانندگان آسان گردد. از همین روی است که ترجمه روسی

متن «حماسه نارت‌ها» لزوم وجود پیوست آن، یعنی «جلد سوم» را که در آن این توضیحات وارد شده است، ضروری و بجا و شایسته گردانده است.

پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته زبانی بر روی حماسه پهلوانان نارت عبارتند از مقالاتی با عنوان‌های «برخی ویژگی‌های گویشی متن‌های حماسه پهلوانان چرخس نارت‌ها» (Берсиров, Анисек, 2018)؛ «غناي حماسه نارت چرخس در اصطلاحات و عبارات‌های ثابت» (Тугузоз, 2018)؛ پایان‌نامه دکتری با عنوان «ویژگی‌های زبانی و سبک حماسه نارت کاراچایی-بالکاری» (Этезова, 2008).

#### ۴. حماسه پهلوانان اوستیا: «نارت‌ها» / «نارت‌نامه»

(НАРТЫ: Осетинский героический эпос)

##### ۱.۴ ساختار آوایی و زبانی واقعیت‌ها در متن حماسه نارت‌ها

«نارت‌نامه» نامی است که استاد میرجلال‌الدین کزازی بر این حماسه نهاده‌اند (کزازی، ۱۳۹۸: ۱۵-۳). بن‌مایه‌های فرهنگی حاوی اطلاعات مردم‌شناسی، قوم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی از مردم قفقاز در سرتاسر متن حماسه نارت‌ها دیده می‌شود. مترجمان کوشیده‌اند آن واحدهای زبانی را که دربرگیرنده بار فرهنگی زبان مبداء هستند تا حد امکان در زبان مقصد حفظ نمایند و از این راه می‌توان گفت به ویژگی زیبایی‌شناختی سبکی در ترجمه دست یافته‌اند. در عین حال این ویژگی ترجمه، خوانش و درک متن را برای گویشور فرهنگ روسی دشوار ساخته است. از همین روی، آمدن توضیحات این واقعیت‌ها، پیش از هر ترجمه دیگری، در این کار ضروری می‌نماید؛ از همین روی گردآورندگان و تنظیم‌کنندگان، جلد سوم را آماده کرده‌اند.

در ترجمه روسی متن حماسه نارت‌ها، مترجمان در بسیاری موارد ترجیح داده‌اند، حتی برای برخی واژگانی که دارای معادل روشنی در فرهنگ مقصد بوده‌اند، همان صورت اوسی را حفظ نمایند. کم نیستند جملاتی که مترجمان می‌توانستند معادل روسی برای آنها بیاورند، اما بر حفظ صورت اوسی تاکید داشته‌اند. روشن است که در ذهنیت ایشان، در صورت ترجمه این واژگان و جملات که از معادل در زبان مقصد برخوردار بوده‌اند، بار فرهنگی واژگان اوسی در فرهنگ اوستیایی بر معادل‌های روسی برتری یافته است.

نکته مهم دیگر در فرآیند ترجمه به زبان روسی آن است که از سال ۱۹۵۴ زبان اوسی با الفبای سیریلیک [кириллица] نگاشته می‌شود. اتفاقی که در نظام آوایی واقعیت‌ها در ترجمه روسی روی داده است، آن است که مترجمان با توجه به اطلاع درونی خویش از خوانش کلمات، آنها را به صورت اوسی در ترجمه روسی آورده‌اند و از روش حرف‌نگاری استفاده کرده‌اند. برای نمونه، حرف c در زبان اوسی می‌تواند صدای «س» و یا «ش» داشته باشد و یک خواننده اوستیایی به ناخودآگاه توانایی تشخیص آوای صحیح بجای آن را در هر واژه دارد. اما مترجمان توجه نداشته‌اند که این حرف در زبان روسی تنها بر یک صدا - یعنی «س» - دلالت دارد و از این راه تعداد بسیاری از اسامی خاص و عام در زبان اوسی که این حرف در آنها صدای «ش» می‌دهد، در ذهن خواننده روس با صدای «س» ثبت شده است، نمونه: Ахсар «آهشار» در خوانش اوسی و «آخسار» در خوانش روسی؛ Ахсина «آهشینا» در خوانش اوسی و «آخسینا» در خوانش روسی. نمونه‌های بیشتر را در بخش توضیحات آوایی خواهیم آورد. مهمترین پیامد منفی چنین کاربردی بدون توجه به نظام آوایی زبان روسی منجر به آن گشته است که نام قهرمان مثبت زن حماسه نارت‌ها از نظر آوایی با واژه Сатана [ساتانا] در معنی «شیطان» در زبان روسی هم‌آوا گردد و در پس آن، بار معنایی منفی نسبت به آن اسم در ذهن خواننده روس ایجاد شود.

آوانگاری اسامی خاص پهلوانان، نام‌های جغرافیایی و دیگر واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی آمده در متن حماسه نارت‌ها با الفبای روسی به دلیل تفاوت آوایی موجود در دو زبان موجب تغییرات عمده آوایی در خوانش در زبان مقصد شده است. عمده این تفاوت‌های آوایی را می‌توان در گروه‌های زیر نام برد:

۱. در تمامی اسامی و نام‌ها، آوای «ه» [h] در زبان اوسی به «خ» [x] در زبان روسی تغییر یافته است. مانند: Хамыц با خوانش «هامیتس» در زبان اوسی و «خامیتس» در زبان روسی. در این موارد، مترجمان با توجه به به‌کار گرفته شدن الفبای سیریلیک از سوی دولت شوروی برای ثبت زبان اوسی و نبودن حرف «ه» [h] در زبان روسی ناگزیر به چنین کاربردی گردیده‌اند؛

۲. آوای c در زبان اوسی به دو گونه بسته به نامی که در آن آمده است، خوانده می‌شود: الف) صدای «س» [c]؛ ب) صدای «ش» [š]. نمونه: Сослан با خوانش «سُسلان» در زبان اوسی و «سُسلان» در زبان روسی؛ این در حالی است که آوای «ش» در زبان روسی موجود است و به راحتی توسط روس زبان قابل بیان است.

۳. وجود حرف صدادار  $\text{Æ} \text{æ}$  [æ/ǣ] در زبان اوسی که در معادل‌ها همه جا به شکل آوای «آ» [ā] آمده است. نمونه:  $\text{Axсартаг/Æхсартаг}$  خوانش «اِشارتاگ» در زبان اوسی و خوانش «آخسارتاگ» در زبان روسی؛

۴. برخی از الفبای سیریلیک در زبان اوسی در پیوستگی با علامت سختی [ъ] در مقام پس‌آیندی، حرف الفبایی جدید را تشکیل می‌دهند. آنها عبارتند از:  $\text{Гъ}$  برای نمایش صدای [h]،  $\text{къ}$  برای نمایش صدای [kh]،  $\text{пъ}$  برای نمایش صدای [ph]،  $\text{тъ}$  برای نمایش صدای [th]،  $\text{хъ}$  برای نمایش صدای [q]،  $\text{цъ}$  برای نمایش صدای [ch]،  $\text{чь}$  برای نمایش صدای [čh]. مانند: «توق‌اویل»  $\text{тохъуыл / toquil}$ . «توق‌اویل» در زبان اوسی گوسفندی را گویند که «نان» خوراک او است. اوستیاییان چنین گوسفندانی را چندین سال خوراک می‌دهند تا خوب فربه گردند و آنها را در مراسم عروسی سر می‌برند و یا به عنوان شیربها می‌دهند (Нарты, 1991: 54).

۵. در زبان اوسی دو حرف ترکیبی  $\text{дж}$  و  $\text{дз}$  در آغاز الفبا وجود دارد. نمونه حرف  $\text{дз}$  را می‌توان در واژه اوسی «دزاور»  $\text{дзаур / dzaur}$  دید که از واقعیت‌های فرهنگی در زبان اوسی و در معنای «مکان مقدس» و «حرم» است. نمونه حرف  $\text{дж}$  را می‌توان در نام فامیلی اوستیایی «دژوسویف»  $\text{Джусоев / Dzhusoev}$  مشاهده کرد.

در این بخش به نمونه‌هایی از اسامی خاص در حماسه نارت‌ها می‌پردازیم:

- در ترجمه روسی حماسه نارت‌ها با واژه فارسی  $\text{шайтан / šaitan}$  [شیطان] از اسطوره‌های اسلام مواجهیم (Евгеньева, 1981: 698): «ای شیطان پیر. تنها او برای من باقی مانده بود. و تو او را یافتی و پیشتر از خویش به سوی مردگان فرستادی (افسانه ۲۶: نارت اوروزماگ و پسر بی‌نام او). (کاربرد «شیطان» در مفهوم ناسزا). معادل این معنا در زبان اوسی، واژه «هایراگ»  $\text{хайраг / haïrag}$  است (Нарты, 1991: 167). گفتنی است که نام قهرمان اصلی زن حماسه نارت‌ها، شتانا ( $\text{šanānā}$ ) در آوانگاری روسی سَتانا ( $\text{Сатана / Satana}$ ) آمده است که در ذهنیت روسی پیش از هر چیز، به خطا، تدائی‌کننده «شیطان» است. در فرهنگ چهار جلدی آکادمی علوم شوروی آمده است که « $\text{Сатана / Satana}$  با ضربه بر روی آخرین واکه (۱) در برخی مذاهب روح‌پلیدی و آغاز زشتی خوانده شده است که در مقابل خداوند قرار می‌گیرد؛ او حاکم جهنم و شیطان (Дьявол) است. (۲) صورت مذکر و مونث آن برابر است. و در مفهوم ناسزا به کار می‌رود» (Евгеньева, 1984: 29). مترجمان علی‌رغم

اینکه هر دو به زبان روسی و اوسی - زبان‌های مبداء و مقصد ترجمه - در سطح زبان مادری تسلط داشته‌اند، به این نکته توجه نکرده‌اند و آوانگاری نام قهرمان «مثبت» حماسه ملی نارت‌ها را با صورت آوایی آورده‌اند که تدائی کننده مفهومی «منفی» در ذهنیت خواننده روس است. احتمالاً پیش از هر چیز پیروی از قانون حرف‌نگاری یکسان در برگردان تمامی اسامی اوسی به روسی موجب چنین خطای زبانی شده است.

- مقصود از «آهشینا-آفشینا» [Ахсина-Афсина / Ahšina-Afšina] «خانم صاحب خانه» است و آن همان شتانا است (Нарты, 1991: 164): *شتانای نارت‌ها* - *آهشینا-آفشینا* - همسر *آرازماگ* بود (افسانه ۱۴. شتانا و بالس *آرازماگ*).

- *اوریزماگ* نام همسر شتانا، نخستین مرد و پهلوان نامدار نارت به سه صورت آوایی در متن اوسی و ترجمه روسی در روایت‌های مختلف آمده است. گفتنی است صورت نخست از بسامد کاربردی بالاتری نسبت به دو گونه آوایی دیگر در روایت‌ها برخوردار است:

اوریزماگ	اوروزماگ	آروزماگ
[Урызмаг / Urizmag]	[Урузмаг / Uruzmag]	[Орузмаг / Oruzmag]
(۱)	(۲)	(۳)

- نام دو پهلوان نامدار حماسه نارت‌ها - برادران *دوقلو* - «آهشار» و «آهشارتاگ» - پسران *اوریزماگ* و شتانا با سه گونه آوایی هم‌آوا شنیده می‌شود. در توضیح آوایی نام اول آمده است: در بازگفت‌های مختلف افسانه‌های نارت‌ها صورتی قانونمند و کاملی از نام «هشارت» را می‌یابیم [با واژه اوستایی xšadra و با واژه سنسکریت ksatra مقایسه کنید]؛ در بازگفت‌های دیگری t آخر حذف می‌شود: *آهشار* / Ахсар Ahšar؛ و گاه به همراه n غیرمتداول می‌آید: *آهشارت* / Ахснарт Ahšnart (Нарты, 1991: 9):

خوانش آسی	آوانگاری آسی	خوانش روسی	صورت روسی
آهشار	Ahšar	آخشار	Ахсар
آهشارتاگ	Ahšartag	آخشارتاگ	Ахсартаг
هشارت	Hšart	خشارت	Хсарт
هشارتاگ	Hšartag	خشارتاگ	Хсартаг

Ахснарт	آخسِنارت	Ahšnart	آهسنارت
Ахснартаг	آخسِنارتاگ	Ahšnartag	آهسنارتاگ

- تنوع آوایی نام پهلوان نارت، «شُسلان» در متن به گونه‌های زیر است:

خوانش آسی	آوانگاری آسی	خوانش روسی	صورت روسی
شُشیریکو	šoširiko	سُشیرکو	Сосырыко
شُژیریکو	šožiriko	سُژیرکو	Созырыко
شُشریکو	šošriko	سُسریکو	Сосрыко
شُشزریکو	šožriko	سُزریکو	Созрыко
شُسلان	šošlan	سُسلان	Сослан

دگرگونی اسم پهلوان آبدیده نارت، «شوبالتس» و «باتراز» در حماسه نارت‌ها به شکل

زیر است:

«شوبالتس»:

Сыбалц	تسیبالتس	Cibalce	سیبالتس
Субалцы	سوبالتسی	šubalcei	شوبالتسی
Субалц	سوبالتس	šubalce	شوبالتس

«باتراز»:

Батраз	باتراز	Batraz	باتراز
Батрадз	باترادز	Batradz	باترادز

نمونه‌های فوق، مثال‌هایی بودند از گونه‌های مختلف آوایی اسامی خاص حماسه نارت-ها در زبان‌های روسی و اوسیی. این تنوع آوایی اسامی خاص طبق روایت راویان مختلف در سراسر حماسه در مورد غالب اسامی خاص دیده می‌شود و کمتر اسمی است که این گوناگونی خوانش را از سوی راویان مختلف با توجه به گویش‌های مختلف اوسیی، ایرونی و دیگروری تجربه نکرده باشد.

اما مواردی از اسامی خاص را می‌توان در متن یافت که تغییرات آوایی چشمگیری در انتقال از زبان اوسیی به روسی نداشته‌اند. نمونه: «آگوندا» [Агунда / Agunda]; «گوری» [Гори / Gory].

تحت تاثیر فرهنگ مردم روسیه و آنکه این مجموعه در زمان اتحاد جماهیر شوروی گردآوری شده است، در موردی، تغییر نام خاص پهلوان نارت به نامی مذهبی در فرهنگ روسی مشاهده می‌شود: نام «گیورگی مقدس» [Георгий / George] در پیوست افسانه

«آهشارت و فرزندان او» بجای نام اوآستیرژی [Уастырджи / Uasterdži] / اوآستیرگی [Уастерги / Uastergi] (مردی سوار بر اسب سه پای بالدار که «حامی مردان و مسافران» است) آمده است (Нарты, 1991: 11).

از دیگر مفاهیم دربردارنده واقعیت‌های تاریخی فرهنگی آمده در حماسه نارت‌ها که معادلی در زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر ندارند، باید به موارد زیر اشاره کرد:

- «خُدی» [xъоди / xodi]: رسمی بسیار متداول در قفقاز برای طرد کردن فردی از طایفه و جامعه به خاطر رعایت نکردن هنجارهای احترام است (Нарты, 1991: 110): نارت‌های بزرگ تصمیم گرفتند: «از سوزاندن همیزم از درخت توسا خسته شدیم. حال هر که صبح زود برخیزد و راهی تاگار- تاپان [Тагар-Тәпан] برای آوردن همیزم از درخت بلوط نشود، خُدی بر او اعلام خواهد شد» (افسانه ۱۲۷: روبه سیاه نارت-ها).

- «فیشیم» [Фысым / fišim]: کسی را گویند که پذیرای میهمان است (Нарты, 1991: 9): این آن خانه بُرا [که پیشتر بود] نیست، و چنین جوانان [نامداری]، چون شما، به دیدار او آمده‌اید، می‌توانید نزد هر یک از ما میهمان شوید، هر یک از ما برای شما فیشیم هستیم (افسانه ۸: اوریزماگف هامیتس و شتانا).

- «آتالیک» [аталык / atalik]: پسر بچه‌ای را گویند که برای تربیت مدت معینی به خانواده دیگری از دوستان پدر و یا خانواده‌ای با ملیت دیگر می‌دهند. آن سستی متداول در قفقاز بوده است: این آتالیک شما، ناصیران-آلدار بود که در پی جنگجو می‌گشت (افسانه ۱۰۶: ناصیران-آلدار).

- «آلای» [Алай / Alai]: ترانه مراسم عروسی را گویند (Нарты, 1991: 110): مردمان در این معجزه گرامدند و از آنجا بر دختر زیبایی آواریا برای بار دوم «آلامی» سرودند (افسانه ۱۲۷: روبه سیاه نارت‌ها).

- خادتولگائوآردن [хадтулгаурдон / xadtulgaurdon]: در ادبیات فولکلور اوستیا «ارابه پرنده» را گویند (Нарты, 1991: 169): (نوگای‌ها) (عروس را) برداشتند و بر خادتولگائوآردن نشانند و بردند (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصیران-آلدار).

- در برگردان روسی متن، مترجمان دو مورد از افعال غیرروسی در متن روسی استفاده کرده است:

(۱) فعل «جیگیتوات» [джигитовать / džigitovat]: این فعل در زبان روسی وجود ندارد و آن حاصل ترکیب اسم ترکی «جیگیت» [джигит / džigit] در معنای «جوان» و پسوند مصدری فعل روسی -овать است. «جیگیت» در آسیای میانه و قفقاز سوارکارانی را می‌گفته‌اند که به دلاوری شهرت داشته‌اند: مادرم، من چگونه براسب خود جیگیت‌م و چگونه دیده می‌شوم؟ (افسانه ۱۰۶: ۱. ناصیران-آلدار).

(۲) فعل اوسی «آخ‌دین» [аходын / axodin]: معنای این فعل عبارت است از (۱) چشیدن و (۲) طبق رسوم، پس از خواندن دعای بزرگتر، رفتن و از دست خواننده دعای پیراشکی و شیشلیک را گرفتن و کمی از آن را چشیدن و سپس جرعه‌ای نوشیدنی را نوشیدن و آن را، در اوسی «آخ‌دین کردن» می‌خوانند (Нарты, 1991: 164). این فعل به همین صورت در متن روسی وارد شده است:

- و وقتی من دعای کوود را به خداوند و دزائورهای دزائور\* مقدس محبوب او به پایان می‌رسانم، پیراشکی ران گوشت گوسفند و جامی از نوشیدنی تازه داماد برای چشیدن خواهم داد، پس تو سعی کن همه را در دستان خود گیری و آخ‌دین کنی (افسانه ۱۰۶: پیوست. درباره شاهزاده نارت - ناصیران-آلدار).

برای برخی واژگان علی‌رغم آنکه مترجمان می‌توانسته‌اند از معادل روسی مناسب استفاده کنند، ترجیح بر واژگان اوسی داده‌اند: «هیشتار» [хистар / hištār] / «کاشتار» [кастар / kaštār] از آن جمله‌اند. اولی در معنای «بزرگتر در سن» و دومی در معنای «کوچکتر در سن» است. برای این واژگان مترجم بجای معادل‌های برابر «بزرگتر» و «کوچکتر» ترجیح داده است، از اصل واژگان اوسی در متن روسی استفاده کند: وقتی ما می‌رسیم و کنار دروازه خانه عروس متوقف می‌شویم، آن وقت من سوی پیری ریش سفید می‌روم وقتی نوگای‌های سیاه چرده از ما چون میهمان استقبال کنند و سخن زیبایی مرا بشنوند، آن وقت آنان مرا در عروسی در جایگاه احترام، در صدر تمام ردیف‌ها چونان هیشتار پیر نارت خواهند نشانند (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصیران-آلدار)؛ و تو چون کاشتار از نشستن خودداری کن، هر چه آنان، نوگای‌ها، از تو خواهش کنند (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصیران-آلدار). در این موارد او از برگردان واژگان دارای معادل در زبان روسی خودداری کرده است و در مورد آنها به عنوان واقعیت‌های فرهنگی از معادل‌های زبان اصلی استفاده کرده است. علت را می‌توان در اهمیت مفهوم احترام و توجه

مواجهه مترجمان در انتقال واقعیت‌ها در ترجمه به روسی ... ۱۷۹

به سلسله مراتب سنی در میان قوم نارت دانست. در جلد سوم حماسه نارت‌ها تعریف «کاشتار» چنین آمده است:

کاشتار خردتر در سن را گویند. او نباید در پیش [بزرگتران] و یا در یک ردیف با بزرگتران بنشیند. اما [باید] سر پا بایستد. بابت این کار او جامی نوشیدنی و تکه‌های گوشت گوسفند و یا خوراک دیگری که به بزرگترها داده می‌شود، دریافت می‌دارد (Нарты, 1991: 91).

مترجمان در روند ترجمه همچنین از واژگان منسوخ که از دیگر زبان‌ها وارد زبان روسی گشته‌اند، بهره می‌گیرند. برای نمونه، واژه «بیوآک» [Бивак, бивуак] که از واژه آلمانی Bivak و صورت فرانسوی bivouac در معنای «محل استقرار مردمان برای استراحت و شب نشینی خارج از مکان‌های اسکان» آمده است (Захаренко, 2008 : 128): کاشتارها رسیدند و در مکانی نزدیک بیوآک آتساماز متوقف گشتند (... (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت – ناصران-آلدار).

معیارهای اندازه‌گیری امروزه دچار پدیده جهانی شدن [глобализация] شده‌اند. اما در گذشته این واحدها ویژگی‌های اندیشه مردمان مختلف را نسبت به واحدهای اندازه‌گیری دربرداشته‌اند. از این روی واحدهای اندازه‌گیری قدیمی در میان هر مردمی از واقعیت‌هایی به شمار می‌آیند که به علت عدم قابلیت ترجمه به صورت حرف‌نگاری در زبان مقصد وارد می‌شوند.

اما در متن ترجمه روسی حماسه نارت‌ها معیارهای اندازه‌گیری با معیارها و معادل‌هایی با سبک کلامی منسوخ در زبان روسی جایگزین شده‌اند، مانند: «پیاد» [пядь / piad] که فاصله میان انگشت شصت و انگشت اشاره است و برابر است با ۱۷.۷۸ سانتی‌متر؛ یک آرنج [локоть / lokot] برابر است با ۴۵ سانتی‌متر و یا شش کف دست؛ و کف دست [ладонь / ladon] برابر است با ۷.۵ سانتی‌متر؛ «آرشین» [аршин / aršin] از سر شانه تا نوک انگشتان را گویند و برابر است با ۷۱.۱۲ سانتی‌متر.

«ساژین» [сажень / sažen] واحد اندازه‌گیری در روسیه قرن هفدهم است و آن عبارت است از نوک انگشتان دست در حالت باز در پهناي شانه تا نوک انگشتان پای قرینه و آن تقریباً برابر است با هفت فوت.

در متن ترجمه مقادیر اندازه‌گیری با بار فرهنگی مبداء نیز به چشم می‌خورند: «گُد گرجی» [грузинский код] با ظرفیت جاگیری کمی بیشتر از «ربع روسی» [четверик]

است. Четверик «ربع» میزان اندازه‌گیری است که در قرن‌های پانزدهم تا بیستم برای اندازه‌گیری حجم‌های مایع و روان در روسیه متداول بوده است و آن برابر است با ۶۴ پوند [фунд] آب مقطر در دمای  $13 \frac{1}{3} R$  مقیاس رومیر [Градус Реомюра] است.

- آن دسته از واقعیت‌های زبانی که به اصوات مربوط می‌شوند، در متن ترجمه روسی به همان صورت اوسی باقی مانده‌اند:

- А, уаххай, гье, - сказал, - как же я ошибся!

[ - آ، اوآخخای هی - او گفت - من چه اشتباهی کردم! ] (Нарты, 1989: 113).

уаххай, гье در زبان اوسی صوتی برای بیان «افسوس و حسرت» است (Нарты, 1991: 30).

- Брысь! Чья ты, тому будь не впрок, дай мне спать!

[ - بریس! از آن که هستی به درد او هم نمی‌خوری. بگذار من بخوابم! ] (Нарты, 1989: 41).

брысь [بریس] در زبان اوسی صوتی است برای دور کردن گربه معادل «پشت» در زبان فارسی.

صوت Гье мардзэзгэ [هی ماردزازتا] را مترجمان قابل ترجمه ندانسته‌اند؛ و در توضیحات آورده‌اند آن در معنای فراخواندن به عمل و یک ندای جنگی است (Нарты, 1991: 27). المیرا گوتیوا - زبان‌شناس زبان اوسی آن را برابر با عبارت «هی، بیرون بیاید!» می‌خواند.

در ابعاد بزرگتر زبانی در متن ترجمه حماسه نارت‌ها می‌توان به واقعیت‌هایی اشاره کرد که به مقوله عبارت‌های ثابت زبانی، اصطلاحات، تعبیرات و ضرب‌المثل‌ها اختصاص دارند. در اینجا شیوه برخورد مترجمان در ترجمه این مقوله‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

- عبارت лэг-сырд در افسانه ۱۰۶ به صورت اوسی در ترجمه روسی آمده است که برای خواننده روس فاقد معنا است. در توضیح آن در جلد سوم آمده است که آن عبارت است از «انسان وحشی»: лэг در معنای «انسان» و сырд (شیرد) در معنای «حیوان وحشی» است (Нарты, 1991: 92).

- در درون متن ترجمه روسی، جمله اوسی زیر دیده می‌شود:

Оу, ма хэдзар хэрзхэлныр кулы фæкодта (Нарты, 1989: 322).

و آن در معنای زیر است: *ئی، خانه من دست آخر خراب شد!* (پیوست افسانه ۱۰۶: درباره شاهزاده نارت - ناصران-آلدار. [و آتساماس - پسر آتسا]) در توضیح آن در جلد سوم آمده است که این جمله همواره از سوی اوستیاییان در زمان زاری برای از دست رفتگان بر زبان آورده می‌شود (Nartıy, 1991: 92).

- از اصطلاحات بی‌معادل که به روش ترجمه واژه به واژه به زبان روسی برگردانده شده‌اند، اصطلاح اوسی «شب برای ایشان به روز نمی‌رسد» (От переживания они не засыпают по ночам.) است که در معنای آن است که از غم و غصه آنان شب‌ها خوابشان نمی‌برد (Nartıy, 1991: 101): *گریان بر من، دو مادر بیچاره من و پدر پیرم [بر روی زمین] مانده‌اند و چیزی ندارند که از آن مراسم یادبود برپا کنند. و از این چنان غصه می‌خورند که شب برای ایشان به روز نمی‌رسد* (افسانه ۱۲۰: آلمبیگ، پسر آلمبیگ).

از دیگر مصادیق واقعیت‌ها در هر زبانی، ضرب‌المثل‌های آن زبان به حساب می‌آیند. ضرب‌المثل‌ها در میان هر ملتی بیانگر ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی شکل‌دهنده اندیشه و ذهنیت آن مردمان هستند. در جلد دوم و سوم حماسه نارت‌ها ضرب‌المثل‌های زیر آمده است:

ترجمه روسی	ترجمه فارسی	متن اوسی
Гость замечает все неполадки. (Nartıy, 1989: 7)	میهمان تمامی دور و بر را زیر نظر گرفت. (۱)	-
Упрек у осетин – на два дня. (Nartıy, 1989: 37)	سرزنش نزد اوسی‌ها دو روز دوام دارد. (۲)	-
Подобно Алди лопнул (-а) от злости. (Nartıy, 1991: 11)	مثل آلدا از خشم ترکیب. (۳)	æлдийæу фæтæтæпп æй.
Когда у турок угнали табуны, то они тогда только и завели табунщиков. (Nartıy, 1991: 92)	وقتی رمه‌های ترکان را دزدیدند، تازه آنان به فکر استخدام چوپان افتادند. (۴)	-

در نمونه‌های فوق مترجمان در برگردان ضرب‌المثل‌ها از شیوه ترجمه واژه به واژه بهره گرفته‌اند و معادل اوسی آن را نیاورده‌اند. لیکن در مورد (۳) ضرب‌المثل به اوسی آمده است.

- در سرتاسر حماسه نارت‌ها می‌توان صورت‌هایی از ترجمه واژه به واژه فرمول‌های کنش‌های گفتاری «سلام»، «خوشامدگویی»، «احوال‌پرسی» و «خداحافظی» را دید. از واژگانی (واقعیتی) که به فراوانی در فرهنگ اوسی در این موقعیت‌های کلامی

استفاده می‌شود، می‌توان از «فارن» [фарн / farn] نام برد و آن در زبان اوسی یک اصطلاح فرهنگی ایرانی در معنای خوشامدگویی و آرزوی رفاه عالی است (Нарты, 1989: 9). «فارن» در معنای خوشبختی همگانی؛ فراوانی؛ صلح و سلامت و بهزیستی (Гуриев, 2015: 569). نمونه:

Фарн вашему дому и да будет ваше утро хорошим!

[فارن بر خانه شما و صبح شما نیک باد!] (Нарты, 1991: 21)

## ۲.۴ واقعیت‌های زندگی گروهی در متن حماسه نارت‌ها

از ویژگی‌های ساختاری حماسه نارت‌ها با توجه به بافت تاریخی متن، زندگی گروهی نارت‌ها است که نمادهای واژگانی دال بر آن در متن عبارتند از: نیخاس [Ныхас / Nikhas]، میدان بازی‌ها [Площадь игр]، سیمد [симд / simd]، خانه عمومی نارت [Общепартовский дом]، بالس [балс / bals] و فاندیر [Фандыр / fandir]:

- «نیخاس» [Ныхас / Nikhas]: گردهمایی و نشست‌های گروهی برای نارت‌ها مهم بوده است و از همین روی است که مردان و بزرگان آنان در سراسر افسانه‌ها در محلی که «نیخاس» خوانده می‌شده است، گرد هم می‌آمدند و در مورد مسائل مهم گفتگو می‌کرده‌اند (Гуриев, 2015: 567).

- «میدان بازی‌ها» [Площадь игр]: «میدان بازی‌ها» یا «تپه بازی‌ها» [Холм игр] (Нарты, 1991: 170) در سراسر متن حماسه نارت‌ها جزء ثابت افسانه‌ها به حساب می‌آید. نقش میدان بازی‌ها کمتر از خود پهلوانان آن نیست. پهلوانان در آن مکان است که نقش می‌یابند. غالب موضوعات افسانه‌ها وابسته به مکان است. زورآزمایی، رقص و بازی پهلوانان نارت در میدان بازی‌ها انجام می‌شود. در زیر نویس ۲ افسانه ۳۷ «نارت شُشان در جستجوی نیرو» آمده است که «میدان بازی‌ها» میدانی است که در آن جوانان نارت کشتی می‌گیرند، تیراندازی می‌کنند و می‌رقصند (Нарты, 1991: 26). از میدان بازی‌ها همچنین با نام خاص «زیلاخار-بیدیر» [Зилахар-быдыр / Zilaxar-bidir] یاد شده است. از این واقعیت در زندگی عمومی نارت‌ها با دو روش ترجمه جزء به جزء «میدان بازی‌ها» و حرف نویسی Зилахар-быдыр [زیلاخار-بیدیر] استفاده شده است.

- «سیمد» [симд / simd]: از دیگر نمادهای زندگی گروهی نارت‌ها، رقص ملی آنان، یعنی «سیمد» است. سیمد در میدان بازی‌ها در دشت زیلاخار برگزار می‌شده است. رقص برای مردان نارت تفریحی ساده نبوده و آن از ظرافت بسیار برخوردار است چونانکه آنان که در سیمد، مهارت‌ها و برترهای خود بر دیگران را به رخ می‌کشیدند: بر لبه میز و بر لبه شمشیر چونان می‌رقصیدند بی‌آنکه از حرکات ایشان چیزی از روی میز بر زمین بریزد. سیمد، نمادی است از زورآزمایی مردان نارت.
- «خانه عمومی نارت» [Общенартовский дом]: خانه عمومی نارت، منزلی است که نارت‌ها آن را با هم‌اندیشی و همکاری یکدیگر برای گردهمایی‌های خویش بنا کردند (Нарты, 1991: 74) و پس از آنکه ساخت آن به اتمام رسید، نظر شیردن را در مورد کامل بودن آن جویا شدند. اینجا مکانی مهم برای گردهمایی‌های نارت‌هاست و از همین روی بی‌عیب و نقص بودن آن برای آنان بسیار مهم است. این خانه به حدی برای آنان مهم است که موضوع افسانه «۶۳» بدان اختصاص یافته است: «نارت‌ها خانه‌ای عمومی ساختند.» [Нарты строили общенартовский дом]
- بالس [балс / balc]: آن، واژه‌ای اوسی است در معنای «جهانگردی». بالس از پی‌مایه‌های فرهنگی تاریخی مردم نارت است. پهلوانان نارت اغلب برای سفر و یا شکار تنها و یا گروهی به بالس‌هایی بلندمدت (بالس به مدت یک هفته و یا بالس سالانه) و دور از نظر مسافت می‌رفتند و رفتن به بالس جزئی از زندگی پهلوانان و مردان نارت به حساب می‌آمده است. آنان در بالس با دیوان می‌جنگیدند، رمه اسبان و گوسپندان به دست می‌آوردند؛ شکار گوزن در بالس مایه غرور مردان نارت بوده است.
- «فاندر» [Фандыр / fandır]: فصل بیست و دوم، یعنی «چگونه شیردن گاو هامیتس را ربود و چگونه فاندر دوازده تار نارت‌ها پدید آمد.» [Как Сырдон украл коровуХамыца и как у нартов появился двенадцатиструнный фандыр] از افسانه‌های محبوب اوستاییان به حساب می‌آید. بخشی از افسانه‌های این گروه، ترکیبی از چندین رویداد و دارای پی‌مایه‌های متفاوتی هستند که در یک روایت حماسی که از نظر منطقی کامل می‌نماید، گرد آمده‌اند. برای مثال «تولد شیردن» [Рождение Сырдона] و «چگونه نارت‌ها خانه عمومی نارت را ساختند.» در دیگر افسانه‌هایی که این رویداد و واقعه را روایت می‌کنند، موضوع ربودن گاو و انتقام

شیردُن در آنها برتری می‌گیرد: «دربارهٔ ربودن گاو از نارت هامیتس» [ О краже О воровстве у [коровы у нарта Хамыца]، «دربارهٔ ربودن گاو اوریزماگ» [Урызмага коровы] و غیره. در گونه‌ها ربودن گاو موضوعی مستقل است و پی‌مایهٔ اصلی را شکل می‌دهد و علت آن قحطی در نارت یا دشمنی شیردُن با هامیتس است.

فاندیر در کانون توجه افسانهٔ «هلاکت خانواده شیردُن» [Гибель семьи Сырдо́на] قرار دارد. در آن افسانه آمده است چگونه شیردُن آرفسای دوازده تار را از استخوان شانه‌های پسران کشته شده‌اش استادانه می‌سازد و گیسوان مادر را بر آن می‌کشد" (Нары, Т. 3: 52). متن چاپ شده منحصر بفرد است؛ این کامل‌ترین صورت افسانه‌هایی است که راوی مشهور - کودزی جوسویف [Кудзы Джусоев] - نگاشته است. در این افسانه سه موضوع: (۱) تولد شیردُن، (۲) ربودن گاو هامیتس، و (۳) پدیدار شدن فاندیر نزد نارت‌ها ترکیب گشته است. هر موضوع نشأت در موضوع دیگر دارد. علاوه بر آن، بار احساسی در به هلاکت رسیدن کودکان شیردُن که در دیگ پخته می‌شوند و با یک پایان غم‌انگیز، نالهٔ شیردُن بر پسرانش و ساخت فاندیر توسط او پایان می‌یابد. در پایان افسانه، شیردُن به نمادی روشن و تراژیک تبدیل می‌شود که موجب احترامی غیرارادی برای او نزد نارت‌ها می‌شود. و بر همین اساس است که نارت‌ها زین پس او را در میان خود می‌پذیرند و برادرش می‌خوانند (Нарты, 1991: 52).

## ۵. نتیجه‌گیری

مترجمان «نارت‌ها» - آ.آ. دزانتیف، ت.آ. هامیتسایوا - در برگردان متن اوسی به روسی کوشیده‌اند پدیده‌ها و واقعیت‌های نمایانگر مفاهیم فرهنگی زندگی مردم قفقاز را تا حد امکان در شکل و صورت اوسی خود در متن مقصد حفظ کنند. در این راه، نظام حرف-نگاری بر آوانگاری آن مفاهیم اولویت داشته است که خود حاصل و نتیجهٔ تاثیر الفبای سیریلیک است که هر دو زبان اوسی و روسی بدان نگاشته می‌شوند. برتری حرف‌نگاری بر آوانگاری در روند ترجمه متن موجب تغییرات آوایی اسامی اوسی در زبان روسی گشته است. نگارندهٔ این پژوهش معتقد است الفبای سیریلیک توانایی انتقال آواهای اوسی را ندارد. زبان اوسی که شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است آوایی از جمله «ق» و «ه، ح» در خود دارد که زبان روسی فاقد آن است. حرف سیریلیک c که در زبان روسی تنها با آوای

«س» شناخته می‌شود، در زبان اوسی از دوگانگی خوانش «س» و «ش» برخوردار است و گویشور اوسی بی‌هیچ دشواری بسته به واژه‌ای که این حرف در آن آمده آن را تمیز می‌دهد. آوای «آ» در زبان روسی وجود ندارد و در همه جا گونه «آ»  $\bar{a}$  که معادل حرف a در زبان روسی است، شنیده می‌شود و کشیده و کوتاه بودن این واج در واژه قابل تمیز نیست. حفظ ساختار اجتماعی و نمادهای بیانگر بافت فرهنگی نارت‌ها برای مترجمان از اولویت برخوردار بوده و ایشان کوشیده‌اند در جای جای ترجمه آن را با وارد ساختن صورت اوسی اصوات، ضرب‌المثل‌ها و حتی جملات کامل حفظ نمایند. از همین روی ضرورت تدوین جلد سوم نارت‌ها شامل توضیح و توصیف واژگان و مفاهیم و ... لازم‌تر نموده است و ارزش علمی بیشتری بر خود گیرد.

## کتاب‌نامه

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۹۸). «نارت‌نامه و شاهنامه». مجموعه مقالات همایش علمی بین‌المللی میراث تاریخی ایران در اوستیا. دانشگاه علامه طباطبائی، صص ۱۵-۳.

- Берсиров Б.М., Анисек С.Х. (2018) Некоторые диалектные особенности текстов адыгского героического эпоса «Нарты». Языкознание, № 6 (84). Ч. 2 -с.: 316-320
- Бурова Е.А. (2017) Перевод реалий в научно-художественной литературе (на материале романа-биографии С. Б. Смит «Королева»). Тульский государственный педагогический университет. Российский гуманитарный журнал. Том 6. №5. С. 425-434
- Вяткин Д. С. (2017) К вопросу о переводе реалий (на материале поэмы А. Т. Твардовского «Василий Теркин»). Актуальные вопросы филологической науки XXI века: материалы VI Международной научной конференции молодых ученых. — Часть 1: Современные лингвистические исследования. — Екатеринбург: Издательство УМЦ-УПИ, 2017. — С. 146-152.
- Гуреева А.Ю. (2016) Проблемы перевода имен собственных в текстах жанра фэнтези на маериале романов Дж.Роулинг «Гарри Поттер» и их переводов на русский и французский языки. Вестник Волгоградского государственного университета. Серия 9: Исследования молодых ученых, с. 149-153
- Жилетежев Х.Ч., Бухуров М.Ф. Отражение общественно-политической лексики в нартском эпосе // Современные проблемы науки и образования. – 2015. – № 2-2.;
- Захаренко Е.Н., Комарова Л.Н., Нечаева И.В. (2008) Новый словарь иностранных слов: свыше 25000 слов и словосочетаний.-М.: ООО Издательский центр «Азбуковник». 1040 с.

- Латыпова Л.Ч. (2016) Перевод русской безэквивалентной лексики на английский язык (на материале перевода романа М.Булгакова «Мастер и Маргарита»). Доклады Башкирского университета. Том 1. № 2, с. 413-418
- Нарты. Осетинский героический эпос в трех книгах. (1989) Книга 2. М.: Наука. Главная редакция восточной литературы.-492 с. (эпос народов СССР)
- Нарты. Осетинский героический эпос в трех книгах. (1991) Книга 3. М.: Наука. Главная редакция восточной литературы.-170 с. (эпос народов СССР)
- Орел М.А. (2008) Новое в переводе имен собственных (на материале газетных заголовков). Филологические науки. Вопросы теории и практики. Московский государственный университет им. М.В.Ломаносова. Тамбов: Гламота, № 1., Ч. 2, с. 75-80, с. 75-80
- Под ред. Гуриева Т.А. (2015) Осетинско-русско-английский словарь. Том 2. Владикавказ: ИПЦ СОИГСИ ВНЦ РАН и РСО-А, 570 с.
- Под ред. Гуриева Т.А. (2013) Осетинско-русско-английский словарь. Часть 1. Владикавказ: ИПЦ СОИГСИ ВНЦ РАН и РСО-А, 2013. 530 с.
- Под редакцией Евгеньевой А.П. (1984) Словарь русского языка: в 4-х т. АН СССР, институт русского языка.-М.: Русский язык. Т. 4, С-Я, 794 с.
- Плешков Е.С. (2017) Значение имени собственного как лингвистическая проблема. Южно-Уральский университет. Челябинск. Вестник ЮУрГУ. Серия «Лингвистика». Т. 14, № 3. С. 71–75
- Седова Е. Р. (2017) Проблемы перевода культурных реалий (на материале художественных произведений). Дипломная работа по специальности «перевод и переводоведение», Южно-уральский государственный гуманитарно-педагогический университет, Челябинск
- Тугузов Г.Т. (2018) Богатство адыгского нартского эпоса фразеологизмами. Журнал «Мир науки, культуры, образования».-№ 4 (71).- с.: 557-559
- Шум О.В. (2014) Особенности перевода собственных имен в контексте идиостиля переводчика (на материале романа О.Гончарова «Собор» и его переводов). Вестник Чувашского государственного педагогического университета им. И.Я. Яковлева.- С. 209-218
- Щеглова Н.В. (2014) Специфика перевода реалий (на материале английской художественной литературы). Историческая и социально-образовательная мысль. № 5 (27).- С. 289-291
- Этезова Л.С. (2008) Особенности языка и стиля карачаево-балкарского нартского эпоса. Диссертация на соискание ученой степени кандидата филологических наук, специальность: языки народов Российской Федерации (Тюркские языки).-Нальчик